

خبر

دلالتان بازار خودرو، بساطشان را جمع کنند

● **ایسنا:** رئیس شورای رقابت، بازار خودروهای ساخت داخل هزارو ۵۰۰ سی‌سی را انحصاری می‌داند و تصریح می‌کند شورای رقابت، تا زمانی که این بازار انحصاری است، دستورالعمل قیمت‌گذاری برای آن را تعیین خواهد کرد و بهتر است دلالتان و واسطه‌گران نیز بساط خود را جمع کنند، چون اقتصاد کشور در دولت فعلی به سمت شفافیت پیش می‌رود، رضا شیوا اظهار کرد: مسلم است که هنوز قیمت خودروهای ساخت داخل زیر هزارو ۵۰۰ سی‌سی که در سال گذشته شورای رقابت دستورالعمل قیمت آنها را تصویب کرده است، توسط شورای رقابت نظارت می‌شود و هیچ تشکیلات دیگری حق دخالت، قیمت‌گذاری و تعیین دستورالعمل جدید را ندارد، مگر اینکه در جلسات آتی که شورای رقابت برای خودرو تشکیل جلسه می‌دهد، تصمیم دیگری اتخاذ شود ولی فعلا همه‌چیز براساس ضوابط و اصل ۴۴ و اصل نهم پیش می‌رود. او ادامه داد: به این ترتیب که خودروهای زیر هزارو ۵۰۰ سی‌سی ساخت داخل چون انحصاری هستند، باید شورای رقابت دستورالعمل قیمتی آنها را تعیین کند که شورا هم در این زمینه اقدام کرده است، رئیس شورای رقابت بیان کرد: برای سال جدید منتظر اطلاعات تورمی سال ۱۳۹۴ هستیم و اطلاعات مربوط به کیفیت و بهره‌وری که بر مبنای آن تصمیم‌گیری برای قیمت‌گذاری در سال پیش‌رو صورت گیرد، رضا شیوا تصریح کرد: دیگر اقتصاد کشور به سمتی می‌رود که از اقتصاد دلالی و واسطه‌گری دور شود. عزم ما بر این است که همه‌چیز شفاف شود و اجازه داده نخواهد شد که تعدادی انگشت‌شمار برای خودروهای داخلی قیمت‌گذاری کنند که تعداد بسیار زیادی از هم‌وطنانمان مصرف‌کننده آن هستند. رئیس شورای رقابت تصریح کرد: باید این افراد متوجه باشند که دولت جدید بر مبنای اقتصاد علمی، کارشناسی و تخصصی عمل می‌کند و به دنبال حاشیه، دلالی و واسطه‌گری نیست و چنین افرادی باید بساط خود را جمع کنند.

پیشنهاد افزایش ۳برابری سرمایه بانک مسکن

● **ایسنا:** در صورت تصویب نمایندگان مجلس، سرمایه بانک مسکن به سه برابر رقم فعلی افزایش پیدا می‌کند. عباس آخوندی، وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد: با توجه به هدف‌گذاری‌های کلانی که صورت گرفته با بانک مسکن از شرایط فعلی به یک بانک توسعه‌محور تغییر شکل دهد، دولت پیشنهادهایی در لایحه بودجه ارائه کرده تا مقدمات این موضوع اجرایی شود. وی با اشاره به لحاظ‌شدن افزایش سرمایه بانک مسکن در تبصره ۱۸ لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ توضیح داد: درحال‌حاضر رقم سرمایه این بانک قریب به سه‌هزارمیلیارد تومان تعریف می‌شود این در حالی است که ما در لایحه بودجه درخواست افزایش این سرمایه به حدود ۱۲ هزار میلیارد تومان را داده‌ایم. وزیر راه و شهرسازی ادامه داد: پیشنهاد ما این بوده که با افزایش سرمایه بانک مسکن در قالب بودجه، بخشی از گره‌های اعتباری این بانک شده و به سمت تأسیس یک بانک توسعه‌ای که با اهداف طولانی‌مدت کشور سنخیت دارد، حرکت شود. امیدواریم این تبصره موردتوجه نمایندگان مجلس قرار گرفته و امکان اجرای آن در سال جاری برای ما فراهم شود. آخوندی با بیان اینکه کاهش سود تسهیلات مسکن یکی از اصلی‌ترین اولویت‌هایی است که باید با پیگیری همراه شود، تصریح کرد: درحال‌حاضر نرخ سود تسهیلات بانک مسکن ۱۳ درصد است. هرچند این نرخ سود پایین‌ترین نرخ‌ی است که در تمام بانک‌ها برای تسهیلات در نظر گرفته می‌شود، اما قطعاً می‌توان به پایین‌آمدن آن بیش از رقم‌های فعلی فکر کرد.

حراج ۱۱۸ هزار واحد مسکن مهرمازاد

● **مهر:** قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی با اشاره به وجود ۱۱۸هزار واحد مسکن مهر مازاد، گفت: شرط مالکیت شخصی و سابقه پنج سال سکونت در شهر موردنظر متقاضی، برای فروش واحدها برداشته شده است. احمد اصغری با بیان اینکه طرح فروش مسکن‌های مهر در استان‌ها در حال انجام است، گفت: هر استان برای فروش مسکن‌های مهر بدون متقاضی آگهی داده و تاکنون هم تعدادی از این واحدها به فروش رسیده است. وی با اشاره به اینکه چند درصد از این واحدها متقاضی پیدا کرده‌اند، اظهار کرد: برای فروش این واحدها شرط مالکیت شخصی و سکونت پنج‌ساله هر متقاضی در استان مربوطه را برداشته‌ایم اما سایر شرایط همچنان اجرا می‌شود. قائم‌مقام وزیر راه و شهرسازی در مسکن مهر، تعداد واحدهای بدون متقاضی مسکن را ۱۱۸ هزار واحد در سراسر کشور عنوان کرد و گفت: این واحدها در میان پروژه‌های تعاونی‌ها، سه‌جانبه و حتی تعدادی خودمالک هم به چشم می‌خورد و در تمامی استان‌ها ازجمله استان تهران وجود دارد.

ادامه از صفحه ۵

مثلا چین در عرض ۲۰ سال در سایه رشد‌های بالای اقتصادی توانست ۴۰۰ میلیون نفر را از زیر خط فقر نجات دهد. حال به رشد اقتصادی خودمان نگاه کنیم. در سال‌های ۵۵ تا ۹۰، قبل از تحریم‌ها، رشد‌های مثبت داشتیم که تخلیه و منفی شده. از سال ۵۵ تا ۹۰ (۳۵ سال) تولید ناخالص داخلی سرانه هر ایرانی کاهش پیدا کرده، علت این است که رشد جمعیت بر رشد اقتصادی فزونی گرفته، در کشوری که عملکرد اقتصادش خوب نیست، مشکل فقر ایجاد می‌شود. برای نمونه در ۱۰ سال اخیر تقریبا هیچ شغل جدیدی در کشور ایجاد نشده. نرخ بی‌کاری در اقتصاد ایران همواره دورقمی است. مهم‌تر از آن نرخ مشارکت است. نرخ مشارکت جمعیت ۱۰ سال به بالا در نیروی کار در ایران از میانگین جهانی پایین‌تر است. در مقایسه با کشورهای صنعتی از نصف آنها هم کمتر است. یک عامل عمده این است که زنان ما در نیروی کار مشارکت فعالی ندارند و در بهترین حالت میانگین آنها به ۱۵ درصد می‌رسد. اگر یک خانوار را در نظر بگیریم، نان‌آور خانواده تعدادش کم باشد و درعین‌حال دهان‌های باز برای معیشت در خانواده زیاد باشد، طبیعی است که دچار تنگدستی خواهند شد. کیکی را که به نام تولید ناخالص داخلی بخته‌ایم، سهم سرانه ما از آن کیک کم شده. اشتغال زیاد ایجاد نمی‌کنیم، نرخ مشارکت هم پایین است، پس نسبت وابستگی به شغل بالاست، یعنی اگر تعداد جمعیت را به تعداد شاغلان تقسیم کنیم، میزان آن بسیار بالاست. این امر موجب فقر می‌شود.

● **شما در مورد توزیع درآمدی که موجب فقر می‌شود، صحبت کردید. اما در کشور با توزیع ثروت نامورون نیز مواجهیم. این مسئله را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟**

مسئله این است که نمی‌شود در مورد فقر و نابرابری درآمدی صحبت کرد بدون اینکه در مورد توزیع ثروت صحبت کنیم. تجربه تاریخی نشان داده که در ایران هر زمان که شورش‌ی شده و حاکمان جدید به‌وجود آمده‌اند، طبقه اشراف نداشته‌ایم. یعنی قبایل در طول تاریخ حکومت می‌کردند و هر قبیله‌ای که برنده می‌شد، مالک عمده اراضی کشاورزی بود و مالکان قبلی قلع و قمع می‌شدند و افراد جدید مالک اراضی کشاورزی که مهم‌ترین وسیله معیشت مردم بود، می‌شدند. در سه ده اخیر، طبقه نواخته سرمایه‌دار صنعتی به دلیل مصادره دارایی‌ها و شرکت‌ها و املاکشان عملا مضمحل شد و به دنبال آن بخشی از این اموال به دست بنیادها افتاد و به‌این‌ترتیب شاهد شکل‌گیری طبقه جدید سرمایه‌دار بودیم که یا در حوزه مستغلات کار می‌کردند یا در حوزه صنعت در اثر خصوصی‌سازی صاحب صنعت شدند. بنابراین شاهد ظهور یک طبقه تکنوکرات بودیم که مدیران اجرایی کشور در بین آنها حضور داشتند. برخی از این افراد در اثر فساد مالی و شیوه خصوصی‌سازی، در رأس شرکت‌ها و دارایی‌های مالی قرار گرفتند. بر این‌ زمان برخی از نهادها و بنیادها هم وارد فعالیت‌های اقتصادی شدند. همچنین یک عده هم به سراغ ساخت‌وساز رفتند؛ انبوه‌سازی که سرمایه‌های مستغلاتی را به‌هم زدند و سودهای سرشاری به دست آوردند. پس انبوهسازان، صاحبان شرکت‌های خصوصی‌شده جدید، بنیادها و نهادهای وارد فعالیت‌های اقتصادی شده و برای خودشان بانک‌ها و موسسات اعتباری تأسیس کردند. در اینجا سرمایه مالی، سرمایه مستغلاتی، سرمایه صنعتی و سرمایه تجاری را داریم. صاحبان سرمایه‌های صنعتی، تجاری، مالی و مستغلاتی با زدنند با مقامات دولتی و به‌خصوص در دوره رونق نفتی دهه اخیر ثروت عظیمی را به دست آوردند. این ثروت‌ها، درآمد‌های کلانی را برایشان به وجود آورده است. این درآمد‌های کلان یکی از منابع نابرابری‌هاست. در واقع ضمن اینکه کشور در کام فقر فرو می‌رود، یک عده در بام ثروت هستند. این تناقض، فاصله طبقاتی ایجاد کرده و طبقه متوسط تضعیف شده و درعین‌حال به رکود اقتصادی فعلی دامن زده است، چون بخشی از تقاضا، تقاضای مصرف خصوصی است اما طبقه متوسط شهری تضعیف شده و فقرا زیاد شده‌اند. الگوی مصرف ثروتمندان هم محصولات وارداتی است یا پول‌هایشان را از خارج خرج می‌کنند.

پس تقاضای این ثروتمندان به افزایش تولید داخلی دامن نمی‌زند. تقاضای ثروتمندان صرف مسکن لوکس هم نیست و سرمایه‌های مستغلاتی را ثروتمندتر می‌کند. پس قطبی‌شدن جامعه از نظر فقر و ثروت یک عاملش توزیع مالکیت و فساد و رانت‌جویی و استفاده از انحصارات است. مشکل دیگری که وجود دارد، این است که در ایران فعالیت‌های قاچاق یکی از منابع درآمدی سرشار است. قاچاق در ایران به سه شکل است. قاچاق سازمان‌یافته کالاها که توسط دستگاه‌های شناخته‌شده انجام می‌شود و تخمین زده می‌شود ۲۵ تا ۳۰ میلیارد دلار قاچاق کالا از این طریق داریم. این میزان قاچاق حاشیه سود بسیار بالایی دارد و موجب می‌شود که درآمد گمرکی دولت پایین بیاید. رقابت این کالاها با تولیدات داخلی موجب فاجعه می‌شود و درآمد آن در دست تعداد معدودی از افراد صاحب نفوذ است که در مقابل قانون سر فرود نمی‌آورند و دولت هم جسارت این را ندارد که جلوگیری را بگیرد. دوم قاچاق خرده‌پاست که مرزنشینان انجام می‌دهند. دیگری قاچاق مواد مخدر است. ایران بر سر راه ترانزیت مواد مخدر به اروپای شرقی و دیگر کشورهاست. در این زمینه به قاچاق به صورت جدی مبارزه می‌کنیم ولی انشاری

اقتصاد سیاسی

باید به احمدی‌نژاد جایزه داد



عکس ازتوفیق رستمی، شریک

فقر را بارانه بنزین سود می‌برند. چون آنها چندین خودرو دارند و بیشتر مسافرت می‌روند. بارانه‌های غیرهدفمند اساسا مذموم است، در توزیع بارانه هدفمند هم به همه بارانه‌دادن توجیهی ندارد. بارانه باید صرف اقشار آسیب‌پذیر شود که نمی‌شود. کار دولت‌ها این بوده که صندوق‌های بیمه تأمین اجتماعی برای بیمه‌های سلامت، بازنشستگی، بی‌کاری و... ایجاد کنند. اما این صندوق‌ها به‌تدریج از تنش‌های اجتماعی بکاهد و مشروعیت خودش را نزد توده‌ها تثبیت کند. فقر و نابرابری، مشروعیت دولت را در افکار عمومی پایین آورده و تنش‌های اجتماعی را بالا می‌برد که به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی می‌انجامد و در درازمدت به علت تقاضای ناگافی به رکود اقتصادی منجر می‌شود. استیگلیتز کتابی را درباره افزایش نابرابری در جامعه آمریکا نوشت که نشان می‌دهد چگونه رشد سرمایه مالی، یک درصد ثروتمندترین‌ها را به عرش اعلی رسانده و بقیه را زمین زده است. علت بحران هم در جامعه آمریکا از سال ۲۰۰۸ به بعد، همین است. در کشور‌های در حال توسعه مسئله رشد پایدار مطرح است. پس سیستم بیمه‌ای می‌لنکد. سیستم حمایتی ما هم می‌لنکد. تقریبا ۱۷ سازمان در کشور مسئول امور رفاهی و حمایتی هستند که به بودجه دولت وصل هستند. ولی پاسخ‌گویی و شفافیتی در قبال عملکردشان ندارند. مثل کمیته امداد امام خمینی (ره) که کمک‌های مردمی را جمع کرده و توزیع می‌کند. ضمنا از بودجه دولت هم استفاده می‌کند، اما شفافیت پاسخ‌گویی را در قبال عملکردش نمی‌بینیم. پس یک ناهماهنگی در این میان است. قانون‌گذار حکم می‌کند فلان گروه‌ها مشمول بیمه‌های تأمین اجتماعی شوند. دولت را موظف می‌کند به آنها کمک کند و بار بودجه‌ای هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، ولی توان واقعی اقتصاد وجود ندارد که در آنها را تغذیه کند و ورشکست

می‌شوند. ۱۷ سازمان موزی داریم که در زمینه حمایتی کار می‌کنند و پاسخ‌گویی و شفافیت ندارند اگر یک کاسه می‌شدند، ممکن بود خطمشی واحدی ایجاد شود. در این زمینه شورای عالی رفاه اجتماعی داریم ولی در هشت سال گذشته در دوره آقای احمدی‌نژاد تعطیل بوده که در دولت جدید دوباره فعال شده است. زمانی وزارت رفاه داشتیم که آن را منحل کردیم و اکنون وزارت رفاه یکی از معاونت‌های وزارت کار شده است. تا کجا این معاونت می‌تواند وارد اقدامات حمایتی شود؟ منظور است که وزارت کار مسئول رفاه اجتماعی است اما سازمان خاصی برای توزیع بارانه‌های نقدی ایجاد شده؟ این سازمان نباید تحت پوشش وزارت رفاه عمل کند؟ مگر آن وزارتخانه نباید تعیین کند چه کسانی مستحق هستند؟ وقتی این همه فقر داریم باید به سلامت، ایجاد اشتغال و راه‌انداختن چرخ‌های اقتصاد اولویت داده و جلو فساد و ارتشا گرفته شود. اینها رعایت نمی‌شود.

● **آیا این وضعیت می‌تواند ادامه پیدا کند؟**
خیر. من می‌گویم این وضعیت چنان وخیم می‌شود که نمی‌تواند ادامه پیدا کند تبعات این وضع عبارت است از افزایش بزهکاری در اجتماع به صورت فحشا، زردی، خشونت و قتل، اعتیاد و خودکشی. آمارها همه اینها را نشان می‌دهد. زندان‌های ما پر از افراد بزهکار است. بخش مهمی

از مسائل اجتماعی‌ای که ما در آن درگیریم ناشی از فقر است. شکاف عمیق طبقاتی در درازمدت وقتی ادامه پیدا کند به شکاف بین دولت و ملت می‌انجامد. این شکاف وقتی عمیق‌تر شد، مردم دست به خشونت می‌زنند. وقتی خشونت جمعی و جنبش‌های خودانگیخته صورت بگیرد، نه به نفع دولت است و نه به صلاح مردم. دولت تدبیر و امید باید راهی را اتخاذ کند که کار ختم‌به‌خیر شود. ولی «چشم‌ها نگران بهشت است و پاها به سوی دوزخ می‌شتابد».

● **قاعدا چنین شکاف‌هایی در کشورهای دیگر هم وجود داشته. برخورد آنها چطور بوده است؟**
در آمریک‌ا بعد از بحران ۱۹۳۰ دولت‌ها به سمت بیمه‌های اجتماعی و دولت رفاه رفت. این دولت‌ها تلاش کردند از طریق مالیات‌های تصاعدی، گسترش بیمه‌های سلامت، بیمه‌های اجتماعی و مسکن اجتماعی، وضع فقرا را بهبود بخشند. مثلا دولت کارگری تونی بلر برنامه مبارزه با فقر تنظیم کرد. حتی دولت جدید که دولت محافظه‌کار است آن را ادامه داد. در اروپا بعد از جنگ جهانی دوم به اشکال مختلف، با این مسئله برخورد کردند. ایجاد فرصت‌های اشتغال برای فقرا، مبارزه با وضع گتو‌هایی که در اروپا فقیرنشین بودند، بهبود مسکن اجتماعی، حل مسئله بافت‌های فرسوده، بازآفرینی شهری، همه در دستور کار دولت‌ها بود. در کشورهای در حال توسعه بعد از مدت‌ها به این نتیجه رسیدند که لازمه فقرزدایی، رشد اقتصادی است اما شرط کافی نیست. سیاست‌های فقیر هم باشد. ادعای نئوکلاسیک‌ها این است که براساس نشئت آثار رونق به فقر وضعیتشان بهبود پیدا می‌کند، اما واقعیت چیز این است. این کار‌ها نیازمند سیاست‌های اجتماعی است. در ۲۰۱۴، سازمان جهانی کار (ILO) کتابی را با عنوان «تحول اقتصادی در ایران» منتشر کرد. عنوان فرعی این کتاب، سیاست صنعتی در خدمت رشد اشتغال و توسعه است، یعنی رشدی که اشتغال را فراهم کند و ثمراتش نصیب فقرا نشود، امروزه مذموم است. این از طریق نوعی بازار اجتماعی مطرح می‌شود. دولت باید مراقب فقرا باشد و چتر سیاست‌های حمایتی و بیمه‌ای را بگستراند. یکی از شروط توسعه پایدار به لحاظ اجتماعی این است که دولت از تنش‌های اجتماعی بکاهد و مشروعیت خودش را نزد توده‌ها تثبیت کند. فقر و نابرابری، مشروعیت دولت را در افکار عمومی پایین آورده و تنش‌های اجتماعی را بالا می‌برد که به بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی می‌انجامد و در درازمدت به علت تقاضای ناگافی به رکود اقتصادی منجر می‌شود. استیگلیتز کتابی را درباره افزایش نابرابری در جامعه آمریکا نوشت که نشان می‌دهد چگونه رشد سرمایه مالی، یک درصد ثروتمندترین‌ها را به عرش اعلی رسانده و بقیه را زمین زده است. علت بحران هم در جامعه آمریکا از سال ۲۰۰۸ به بعد، همین است. در کشور‌های در حال توسعه مسئله رشد پایدار مطرح است. پس سیستم بیمه‌ای می‌لنکد. سیستم حمایتی ما هم می‌لنکد. تقریبا ۱۷ سازمان در کشور مسئول امور رفاهی و حمایتی هستند که به بودجه دولت وصل هستند. ولی پاسخ‌گویی و شفافیتی در قبال عملکردشان ندارند. مثل کمیته امداد امام خمینی (ره) که کمک‌های مردمی را جمع کرده و توزیع می‌کند. ضمنا از بودجه دولت هم استفاده می‌کند، اما شفافیت پاسخ‌گویی را در قبال عملکردش نمی‌بینیم. پس یک ناهماهنگی در این میان است. قانون‌گذار حکم می‌کند فلان گروه‌ها مشمول بیمه‌های تأمین اجتماعی شوند. دولت را موظف می‌کند به آنها کمک کند و بار بودجه‌ای هزینه‌ها را افزایش می‌دهد، ولی توان واقعی اقتصاد وجود ندارد که در آنها را تغذیه کند و ورشکست

● **توزیع ثروت نامورون نیز مواجهیم. این مسئله را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟**
مسئله این است که نمی‌شود در مورد فقر و نابرابری درآمدی صحبت کرد بدون اینکه در مورد توزیع ثروت صحبت کنیم. تجربه تاریخی نشان داده که در ایران هر زمان که شورش‌ی شده و حاکمان جدید به‌وجود آمده‌اند، طبقه اشراف نداشته‌ایم. یعنی قبایل در طول تاریخ حکومت می‌کردند و هر قبیله‌ای که برنده می‌شد، مالک عمده اراضی کشاورزی بود و مالکان قبلی قلع و قمع می‌شدند و افراد جدید مالک اراضی کشاورزی که مهم‌ترین وسیله معیشت مردم بود، می‌شدند. در سه ده اخیر، طبقه نواخته سرمایه‌دار صنعتی به دلیل مصادره دارایی‌ها و شرکت‌ها و املاکشان عملا مضمحل شد و به دنبال آن بخشی از این اموال به دست بنیادها افتاد و به‌این‌ترتیب شاهد شکل‌گیری طبقه جدید سرمایه‌دار بودیم که یا در حوزه مستغلات کار می‌کردند یا در حوزه صنعت در اثر خصوصی‌سازی صاحب صنعت شدند. بنابراین شاهد ظهور یک طبقه تکنوکرات بودیم که مدیران اجرایی کشور در بین آنها حضور داشتند. برخی از این افراد در اثر فساد مالی و شیوه خصوصی‌سازی، در رأس شرکت‌ها و دارایی‌های مالی قرار گرفتند. بر این‌ زمان برخی از نهادها و بنیادها هم وارد فعالیت‌های اقتصادی شدند. همچنین یک عده هم به سراغ ساخت‌وساز رفتند؛ انبوه‌سازی که سرمایه‌های مستغلاتی را به‌هم زدند و سودهای سرشاری به دست آوردند. پس انبوهسازان، صاحبان شرکت‌های خصوصی‌شده جدید، بنیادها و نهادهای وارد فعالیت‌های اقتصادی شده و برای خودشان بانک‌ها و موسسات اعتباری تأسیس کردند. در اینجا سرمایه مالی، سرمایه مستغلاتی، سرمایه صنعتی و سرمایه تجاری را داریم. صاحبان سرمایه‌های صنعتی، تجاری، مالی و مستغلاتی با زدنند با مقامات دولتی و به‌خصوص در دوره رونق نفتی دهه اخیر ثروت عظیمی را به دست آوردند. این ثروت‌ها، درآمد‌های کلانی را برایشان به وجود آورده است. این درآمد‌های کلان یکی از منابع نابرابری‌هاست. در واقع ضمن اینکه کشور در کام فقر فرو می‌رود، یک عده در بام ثروت هستند. این تناقض، فاصله طبقاتی ایجاد کرده و طبقه متوسط تضعیف شده و درعین‌حال به رکود اقتصادی فعلی دامن زده است، چون بخشی از تقاضا، تقاضای مصرف خصوصی است اما طبقه متوسط شهری تضعیف شده و فقرا زیاد شده‌اند. الگوی مصرف ثروتمندان هم محصولات وارداتی است یا پول‌هایشان را از خارج خرج می‌کنند.

● صحبت‌هایی از وعده ۲۵۰هزارتومانی بارانه از سوی آقای احمدی‌نژاد شنیده می‌شود. نظراتان چیست؟

در جامعه فقرزده یکی از مخاطرات پوپولیست است که با دادن وعده‌های دروغین به توده‌های مردم فقیر سعی می‌کند به قدرت برسد و وقتی به قدرت رسید عملا به مردم پشت کرده و به زیانسان عمل می‌کند. این پدیده به‌کرات در آمریکای لاتین رخ داده و در ایران هم الگوی محرزش به نام آقای احمدی‌نژاد ثبت شده و اگر قرار است جایزه‌ای داده شود، باید به ایشان دهند. آقای کروبی هم در انتخابات سال ۸۸ وعده بارانه ۵۰ هزارتومانی می‌داد. پوپولیسم اقتصادی و سیاسی بسیار خطرناک است چون ماهیتا ضدمردمی است و پشت آن برخلاف ادعایش، نظامی‌گری نهفته است. در پشت سرشان هم فساد مالی بزرگی نهفته است. در بنابراین احزاب سیاسی ایران، دولت‌مردان و ارکان حاکمیت باید این خطر را جدی بگیرند.

آیا این احتمال وجود دارد که باز هم پوپولیسم در ایران حاکم شود؟

این احتمال همچنان زیاد است که پوپولیسم توده‌ها را بسپج کرده و به خیابان بیاورد و به صورت اتمی با آنها رفتار کند. احزاب و تشکله‌ها را برنمی‌تابد، قاعده بازی را برنمی‌تابد، اما می‌خواهد توده‌ها از او حمایت کنند.

دولت کتونی در برخورد با مسئله توزیع نامناسب درآمد چگونه عمل می‌کند؟

متأسفانه دولت جوانی، هم به دلیل مسائل و مشکلات عدیده در حل مسئله هسته‌ای و ملاحظات سیاسی‌ای که داشته و هم به دلیل ایده لیبرالیسمی که بر آن حاکم است، برنامه‌ای در زمینه فقرزدایی، حمایت‌های اجتماعی و ایجاد فرصت‌های اشتغال ارائه نداده است. به‌صراحت می‌گویم این دولت برنامه ندارد. در برنامه فصل بحثی درباره حمایت‌های اجتماعی دارد. فصل «سلامت و ارتقای کیفیت زندگی، رفاه و تأمین اجتماعی»، ولی این وعده‌ها «کفاف کی دهد این باده‌ها به مستی ما». ضمن اینکه در برنامه ششم تحت عنوان ذیل بخش امور اجتماعی‌ای به مباحث حمایت‌های اجتماعی پرداخته، اما همه اینها تعارف است و در حد نمی‌شود.

گذر

نرخ بی‌کاری ۱۸/۵ درصدی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی

● **مهر:** رئیس مرکز آمار ایران با بیان اینکه حدود یک‌میلیون‌نفر از تحصیل‌کرده‌های فوق‌دیلم به بالا بی‌کارند، گفت: نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۶٫۱ درصد و جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۳٫۳ درصد است. عادل آذر در بخش خبری ۱۱ شبکه یک سیما با اشاره به اینکه مرکز آمار نرخ بی‌کاری را برای سال ۱۳۹۴، ۱۱٫۳۹۴ درصد اعلام کرد، افزود: حدود ۸۸۲هزارنفر به جمعیت فعالان اقتصادی ما اضافه شده است که از این تعداد ۶۸۸هزارنفر شامل و ۲۱۴ هزارنفر هم به افراد بی‌کار اضافه شده‌اند به همین علت نرخ بی‌کاری ۱۰/۶درصدی سال ۱۳۹۳ را ۱۱ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. وی با تأکید بر اینکه مرکز آمار ایران استانداردهای بین‌المللی را در ارائه آمار رعایت می‌کند، گفت: مبنای ارائه نرخ بی‌کاری، یک ساعت کار با هشت ساعت کار است که آمار فعلی نرخ بی‌کاری بر مبنای هر دو اعلام شده است. رئیس مرکز آمار ایران با اشاره به اینکه آمار ۱۱ درصدی بی‌کاری، صحیح است، افزود: این آمار براساس روش علمی و بدون هیچ تعصبی است و مأموران حرفه‌ای آن را تهیه کرده‌اند. این آمار، نرخ بی‌کاری افراد ۱۵ تا ۶۴ سال را شامل می‌شود اما مردم به بی‌کاری جوانان بیشتر توجه می‌کنند. وی ادامه داد: نرخ بی‌کاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۶/۱درصد و جوانان ۱۵ تا ۲۹ سال، ۲۳/۳ درصد است. به همین علت برخی اوقات بی‌کاری پنهان هم ممکن است وجود داشته باشد.

هیأت نفتی توتال فرانسه به تهران می‌آید

● **مهر:** هیأت شرکت توتال فرانسه به‌منظور نهایی‌کردن متن قرارداد ساخت یک مجتمع پتروشیمی تا چندروز آینده به تهران می‌آید. توتال فرانسه پس از امضای قرارداد خرید روزانه ۱۶۰ هزار بشکه نفت‌خام، امضای قرارداد محرمانه توسعه آزادگان جنوبی و امضای یک تفاهم‌نامه همکاری با پژوهشگاه صنعت نفت، به‌دنبال نهایی‌کردن ساخت یک مجتمع پتروشیمی در ایران است. امیرحسین فلاح، مدیر سرمایه‌گذاری شرکت ملی صنایع پتروشیمی، با بیان اینکه هیأت توتال فرانسه اواخر ماه آوریل (دهه نخست اردیبهشت‌ماه) به تهران می‌آید، گفت: مذاکرات شرکت ملی صنایع پتروشیمی با هیأت فرانسوی توتال به‌منظور نهایی‌شدن توافقات ساخت پتروشیمی است.

ادامه از صفحه ۵

کشاورزان خرده‌پا و لزوم حمایت از آنان

براساس این معیار مشاهده می‌شود که در جهان اندازه زمین برای تعریف کشاورز و مزرعه کوچک‌مقیاس متفاوت می‌شود. به‌عنوان نمونه در آسیا مزارع کوچک‌مقیاس با اندازه متوسط مزرعه ۱٫۶ هکتاری تعریف شده است. در چین، ۹۳ درصد از مزارع کمتر از یک هکتار بوده که ۱۹۳میلیون مزارع (۵۰ درصد) از مزارع کوچک جهان را شامل شده و هند ۳۳ درصد آن را دارد (Nagayets, ۲۰۰۵). در آفریقا در حدود ۲۳ میلیون مزرعه کوچک‌مقیاس وجود دارد که عمدتا زیر دو هکتار بوده و در حدود ۸۰ درصد از کل مزارع در آفریقا را شامل می‌شود. در کشورهای جنوب صحرای آفریقا هفت نفر از ۱۰کشاورز، خرده‌پا هستند (Spencer ۲۰۰۲ in Nagayets ۲۰۰۵ and Pimbert ۲۰۰۸). در آمریکای لاتین و کارائیب حدود ۱۷میلیون مزرعه کوچک‌مقیاس با اندازه متوسط ۱٫۸ هکتار وجود دارد (von Braun ۲۰۰۵). در اروپا اندازه متوسط مزرعه ۲۷ هکتار است که ۳۰ درصد از مزارع کمتر از پنج هکتار بوده است. در اسپانیا و پرتغال، ۶۰ درصد از مزارع کوچک‌مقیاس هستند. در مرکز و شرق اروپا که بیشترین مزارع در این مناطق وجود دارند، ۱۱میلیون مزرعه کوچک‌مقیاس با کمتر از دو هکتار هستند (von Braun ۲۰۰۵). در آمریکای جنوبی مزارع کوچک‌مقیاس کمتر از دو هکتار در نظر گرفته می‌شود (FAO ۱۹۹۷). کشاورزان کوچک‌مقیاس می‌توانند نقش مهمی در امنیت غذایی و کاهش فقر داشته باشند که این نقش بستگی زیادی به این دارد که چه خدماتی برای آنها در زمینه اینکه بتوانند عملکرد مناسب اکوسیستمی داشته باشند تدوین و ارائه می‌شود. ازجمله درخصوص موضوعاتی همچون حاصلخیزی خاک، مصرف آب، کرده‌افشانی و کنترل آفات. به عبارت دیگر دولت و سازمان‌های غیردولتی برای اینکه کشاورزان خرده‌پا عموما فقیر هستند و دسترس‌ی به خدمات مالی و تأمین مالی ندارند، نیازمند حمایت مالی و غیر مالی (از قبیل تأمین مالی، آموزش، سازماندهی و ترویج یافته‌های تحقیقاتی) آنان هستند کشاورزان خرده‌پا به دلیل فقر و برآوردن نیازهای فوری زندگی به اکوسیستم زیان وارد می‌کنند. اتخاذ شیوه‌های کشاورزی مخر محیط زیست توسط کشاورزان کوچک‌مقیاس، فرسایش خاک، کاهش مواد مغذی خاک، شوری خاک، کمبود آب و آلودگی محیط زیست را به همراه دارد. بنابراین ضروری است که منظور تأمین امنیت غذایی، کاهش فقر و حفظ محیط‌زیست و منابع برای نسل فعلی و نسل‌های آینده، خدمات و حمایت‌های مناسب به کشاورزان کوچک‌مقیاس ارائه شود.